

نشریه علمی پژوهشی  
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی  
سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۱۹-۱۴۲

## مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی

دکتر بهمن نزهت\* - دکتر عبدالناصر نظریانی\*\* - یحیی حسینیانی\*\*\*

### چکیده

شناخت و بهره‌گیری از مؤلفه‌های تعلیم و تربیت، از جنبه‌های فراوانی اهمیت دارد. بی‌تردید، بخش قابل ملاحظه‌ای از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در آثار ارزشمند ادبی نگاشته شده است. یکی از شاهکارهای بی‌مانند ادبی در این خصوص، گلستان سعدی است. سعدی در گلستان، مهم‌ترین مفاهیم تربیتی و اساسی‌ترین شیوه‌های رفتار نیک و پسندیده آدمی را بیان کرده است. او با نگاهی موشکافانه به انسان، حقایقی مربوط به تمامی طبقات جامعه را به تصویر می‌کشد و در قالب پند و حکمت به مخاطب منتقل می‌کند. هدف غایی این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌هایی تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی است. این مقاله از جمله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات علوم انسانی

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه B.nozhat@urmia.ac.ir

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه A.nazariani@urmia.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) hosaynyahya@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۵/۴

تاریخ وصول ۱۳۹۶/۱/۲۸

است که به روش کیفی و با «راهبرد داده‌بنیاد» انجام شده است. در این روش، پس از گردآوری داده‌های کیفی، مفاهیم مرتبط شناسایی شد. با دسته‌بندی، مقایسه مفاهیم و حذف موارد تکراری، مؤلفه‌های مورد نظر ترسیم شد. در پایان این فرایند، پایه‌های اصلی نظریه «تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی» شامل ۶۸ مفهوم در قالب ۱۴ مؤلفه تشکیل گردید.

## واژه‌های کلیدی

ادبیات، انسان، تعلیم و تربیت، گلستان سعدی.

### ۱. مقدمه

تعلیم و تربیت مطلوب، عامل اصلی سعادت هر انسان و پیشرفت هر جامعه‌ای است. یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های بشر، موضوع «تعلیم و تربیت» است. ارتباط علمی چون فلسفه، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و... با مباحث تعلیم و تربیت، اهمیت آن را دوچندان کرده است. از این رو تمرکز در باب آموزش و پرورش مطلوب، نگاهی تخصصی و جامع‌نگرانه را می‌طلبد. آثار ادبی، سرشار از داستان‌ها، مثل‌ها، حکایت‌های پندآموز و به‌طور کلی، آموزه‌های کاربردی برای زندگی بهتر انسان است. در این مقاله قصد داریم به این پرسش پردازیم که آیا متون ادبی برای تعلیم و تربیت انسان‌ها در مسیر تعالی و پیشرفت، راهکاری مناسب ارائه کرده است؟ در واقع می‌توان گفت ادبیات فارسی گنجینه‌ای است که ما را در راه شناخت انسان یاری می‌کند. ادبیات با درک بهتر از زندگی، محدوده شناختمان را گسترش می‌دهد. آثار کهن ادبی به توسعه سایر علوم کمک می‌کند. بزرگان عرصه شعر و ادب، راه‌ورسی را به ما آموخته‌اند تا

بتوانیم در پرتو آن، زندگی بهتری داشته باشیم. به طور کلی، زبان و ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ ایرانی و یکی از اساسی‌ترین عوامل حفظ هویت ملی محسوب می‌شود.

انسان‌ها از گذشته، درصدد شناخت و قانونمند کردن فرایند تربیت بوده‌اند. تجربه‌اندوزی شخصی، تأمل و اندیشیدن به رویدادها، بهره‌گیری از راهنمایی‌های بزرگان، مشاهده و بررسی فرایندهای مداوم رفتاری، مطالعه آثار و دیدگاه‌های اندیشمندان بزرگ و مواردی از این قبیل، از جمله راه‌هایی است که انسان را در مسیر تعلیم و تربیت مطلوب راهنمایی می‌کند. از گذشته تا امروز، توجه به ابعاد مختلف شخصیت انسان، مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است. «فرایند تعلیم و تربیت، مستلزم انسان‌شناسی به مفهوم جامع کلمه است. در واقع مشکلاتی که در اغلب موارد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی و حتی ارزشیابی‌های تحصیلی پیش می‌آید، ناشی از بینش نادرست نسبت به انسان است» (کاردان، ۱۳۷۸: ۳۴). به عبارت دیگر، «حیات روحی انسان‌ها قوانین و سازوکارهای خاصی دارد. اگر بخواهیم با آنان تعامل خوبی داشته باشیم، باید این قوانین را به خوبی بشناسیم» (پاشایی، ۱۳۹۱: ۱۱).

رسیدن به تعلیم و تربیت مطلوب که هدف آن تعالی آدمی در زندگی فردی و اجتماعی است، با حرکت در مسیر معرفت و حکمت امکان دارد؛ مسیری که اندیشمندان بزرگ ادب فارسی به ما آموخته‌اند. «برای نهادینه کردن اصول تعلیم و تربیت، باید فرهنگ ایرانی را خوب بشناسیم. بدون شک یکی از راه‌های این آشنایی، بررسی و کاوش در متن‌های ادبی است» (همان: ۱۲). هسته اصلی مضامین مطرح‌شده در آثار ادبی بر پایه «نقش انسان» است. یکی از اهداف اصلی در علوم تربیتی

هم «کسب تعالی انسان» است. بنابراین نقش محوری انسان می‌تواند در بهبود روابط انسانی و متعاقب آن در سامان‌دهی اوضاع جامعه مؤثر باشد. به نظر می‌رسد یکی از حلقه‌های مغفول مانده در ارتباط میان علوم تربیتی و ادبیات، نوع نگرش به انسان است. مسئله اصلی اینجاست که بسیاری از تجربه‌ها و دانش‌های انتزاعی نتوانسته راهگشایی برای چالش‌ها و نارسایی‌های تعلیم و تربیت باشد. نکته دیگر اینکه چگونه است که از تمدن کهن و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی سخن می‌گوییم، حال آنکه روابط انسانی، اخلاق و رفتارمان در تعالی فردی و رونق کسب و کارمان منعکس نیست. متون ادبی چه کارکردهایی در زندگی امروز دارد؟ آیا ادبیات فارسی می‌تواند پاسخگوی نیازهای دوران معاصر باشد؟ بنابراین در این مقاله قصد داریم تا برای متن‌های کهن، طرحی نو ترسیم کنیم؛ یعنی با بومی‌سازی و بازآفرینی آموزه‌های ادبی و با خلق گزاره‌های کاربردی، به نگرشی جدید در خصوص تعلیم و تربیت مطلوب برسیم. درس‌آموزی از شاخص‌ها و آموزه‌های ادبی می‌تواند تأثیر بسزایی در رشد و تعالی انسان و متعاقب آن، پیشرفت جوامع داشته باشد. از این رو به بررسی این مسئله می‌پردازیم که آیا شناخت مؤلفه‌های تربیتی در آثار ادبی می‌تواند بر تعالی نیروی انسانی و به دنبال آن، پیشرفت سازمان تأثیر بگذارد. مسئله این است که در واکنش به این شرایط، چگونه می‌توان با شناسایی مفاهیم و مولفه‌های مرتبط، این موضوع را بررسی کرد.

## ۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف غایی این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی است. از این رو پژوهشگران قصد دارند با مطالعه در اندیشه‌های ارزشمند این شاعر و بهره‌گیری از گنجینه ادب فارسی، شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با آن را استخراج و

طبقه‌بندی کنند. به خدمت گرفتن ادبیات در علوم تربیتی، کاربردی کردن آثار ادبی با توجه به نیازهای عصر حاضر، تزریق روحیه و نشاط در جمع نیروی انسانی، ایجاد اعتماد برای اجرای کارهای گروهی، برقراری اتحاد و همبستگی سازمانی، وسعت بخشیدن به نگرش مسئولان، انعکاس گفتار و رفتار درست در تمامی شئون زندگی، از جمله اهداف فرعی ما در این مقاله است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش به صورت زیر ارائه شده است: مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی چیست؟

با توجه به پژوهش‌هایی که در راستای پیوند ادبیات با علوم تربیتی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای تدوین شده، توجه به این‌گونه رویکردها در تمامی مؤسسات آموزشی و پرورشی احساس می‌شود. در این باره پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

الف. شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با علوم تربیتی بر اساس اندیشه‌های سعدی شیرازی کدام‌اند؟

ب. گزاره‌های حکمی (قضایا) مستخرج از این مؤلفه‌ها کدام‌اند؟

### ۳. مبانی نظری پژوهش

شاید بتوان قدیمی‌ترین و در عین حال ساده‌ترین تعریف را دربارهٔ تربیت به افلاطون نسبت داد که می‌گوید: «تربیت، زیباترین چیزی است که در بهترین انسان‌ها آشکار می‌شود» (بصیری، ۱۳۹۱: ۶۸). غلامحسین شکوهی در کتاب *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، در تعریف تعلیم و تربیت چنین می‌نویسد: «تربیت، مراقبت از نشو و نماي آدمیزاد در جریان رشد وی، یعنی در مسیر طبیعی او به سوی کمال است» (۱۳۶۱: ۳۰). از قرن ششم و به خصوص در آثار امام محمد غزالی، واژهٔ تربیت وارد زبان فارسی

شد. «نفس در ابتدا ناقص است، ولی قابلیت کمال را دارد و همانا نفس با تربیت و تهذیب اخلاق کامل می‌گردد» (غزالی، ۱۳۶۸: ۶۶). در نظام‌های جدید آموزشی، این واژه تحول معنایی یافته است و امروزه بیشتر به جنبه‌های مادی و ظاهری زندگی، شامل رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی و رضایتمندی شغلی مربوط می‌شود.

در خصوص ارتباط میان تعلیم و تربیت با ادبیات می‌توان گفت که زمینه‌های معنایی بسیاری از متون ادب فارسی را آموزه‌های تعلیمی تشکیل می‌دهد. روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادبی به شیوه‌های مختلفی ارائه شده است؛ مانند آموزش مستقیم، موعظه، ترغیب و تشویق، بیان ضرب‌المثل، امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد و راهنمایی، درونی‌سازی ارزش‌ها، پند و اندرز، احترام متقابل، مجادله و گفتگو. نکته دیگر اینکه، ادبیات از دو جنبه اساسی با علوم تربیتی در ارتباط است: یکی از جنبه بنیادی؛ بدین شکل که نویسنده یا شاعری، مفاهیمی چون خداجویی، عدالت، مرگ، صداقت، فداکاری و... را به‌عنوان عناصر اصلی داستانش مطرح می‌کند. او با ایجاد توالی زمانی، ارتباط طولی و عرضی حوادث و ارتباط میان شخصیت‌های داستان، باعث رشد ادراکی و تغییر نگرش انسان می‌شود. از جنبه بنیادی نیز این نقش عینی‌تر است؛ چراکه آدمی برای شناخت بهتر مفاهیم و رسیدن به سعادت و مفید بودن، باید بتواند این آموزه‌ها را در زندگی خویش اجرایی کند. ضمن اینکه تفهیم مباحث تربیتی در قالب مضامین ادبی برای علاقه‌مندان جذابیت بیشتری دارد. «تعلیم و تربیتی که سعدی آن را مایه تحول و اصلاح احوال اجتماعی می‌داند، هم ناظر بر احوال حیات است هم به ماوراء حیات، که به عقیده وی اعتقاد بدان منشأ هرگونه کمال اخلاقی است» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۷۶).

به نظر می‌رسد هدف اصلی سعدی در مباحث تربیتی، پروراندن صمیمانه انسان‌هاست

تا برای خود و خانواده و جامعه خویش مفید باشند. «بسیاری از حکایت‌های گلستان با محتوای اخلاقی و تربیتی پی‌ریزی می‌شود و اهداف تعلیمی را دنبال می‌کند و در پایان اغلب حکایت‌ها، نکته‌ای ظریف نهفته است که مقصود نهایی نویسنده را شامل می‌شود» (بصیری، ۱۳۹۱: ۷۱). سعدی علاوه بر تفاوت‌های فردی، تمایلات و خواسته‌های شخصی، به تفاوت‌های محیطی و وراثتی نیز توجه داشته و هرگز یک عامل را به تنهایی در تعلیم و تربیت مؤثر نمی‌داند. سعدی، انسانی واقع‌بین با شخصیتی رشدیافته است؛ اندیشه‌هایش همه‌جانبه و جهان‌شمول است؛ «سخنگوی ضمیر آگاه ایرانی» (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۰۱) است؛ پندش مشفقانه و سخنش حکیمانه است. از این‌رو ایشان را باید «آموزگار بزرگ تعلیم و تربیت» نامید و بدون شک تمامی این ویژگی‌ها ما را در رسیدن به مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب یاری می‌کند. امرسون، نویسنده و متفکر معروف آمریکایی، می‌گوید: «سعدی با زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می‌گوید و گفته‌هایش همیشه تازگی دارد» (دشتی، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

#### ۴. پیشینه پژوهش

به دلیل مناسبت‌های میان ادبیات با علوم تربیتی و تبدیل متون ادبی به پندنامه‌ها و عبرت‌نامه‌ها، آثار بی‌شماری در حوزه نظم و نثر فارسی نگاشته شده است. کتاب‌های کلیله و دمنه، شاهنامه فردوسی، قابوسنامه، کیمیای سعادت، نصیحه الملوک، بوستان، گلستان، مثنوی و... از جمله این آثار است. علاوه بر قرآن کریم و احادیث، در کلام بسیاری از اندیشمندان، در خصوص مباحث اساسی شناخت انسان و روش‌های تعلیم و تربیت صحیح، سخن به میان آمده است.

در جدول زیر به ترتیب سال چاپ، به برخی از آثار مرتبط در این زمینه اشاره شده است:

ردیف	عنوان اثر	نویسنده / نویسندگان	توضیحات
۱	«نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش»	محمدحسین سروری (۱۳۴۷)	نویسنده مقاله با طرح چند بیت از سعدی، به نقد آرای تربیتی سعدی می پردازد: الف. ... ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس ب. ... تربیت ناهل را چون گردگان بر گنبد است نویسنده با بیان مستندات از گفته‌های اندیشمندان و روان‌شناسان مختلف، بر تأثیرناپذیری و عدم قابلیت تغییر بدکاران اشاره می‌کند. البته نویسنده از این نکته غافل بوده که این دو سروده از قول پادشاه در مناظره با وزیر نقل شده است. حال آنکه در ادامه، مثالی از وزیر نقل شده که نشان می‌دهد سگ می‌تواند بر اثر تربیت و همشینی، مقام مردمی بیابد: سگ اصحاب کهف روزی چند...
۲	«تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی»	محمدکریم آزادی (۱۳۷۳)	این کتاب، پژوهشی جامع و مستقل در خصوص تعلیم و تربیت در آثار سعدی است. نویسنده ابتدا به بررسی آرای تربیتی در خصوص سعدی پرداخته است. ایشان در فصل‌های بعد، هدف‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی را تشریح کرده و سپس با بررسی و نقد آرای نویسندگان پیشین، نظر‌ها و دستوره‌های تربیتی سعدی را دسته‌بندی و تحلیل کرده است.



۳	«ادبیات در راستای تربیت سعدی و تعلیم و تربیت»	آرش نصیری نکو (۱۳۷۸)	نویسنده در این مقاله با ذکر شواهد و نمونه‌هایی، نقش متقابل محیط و وارث را در شیوه تربیت صحیح مؤثر می‌داند. ایشان بسیاری از آموزه‌های تعلیم و تربیت نوین را برگرفته از اندیشه‌های بزرگان ادب فارسی می‌داند.
۴	«درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی»	حسن علی بختیار نصرآبادی، رضاعلی نوروزی، محمد رحمان‌پور (۱۳۸۶)	نویسنده این مقاله، ضمن بیان تعاریفی از واژه تربیت، به تحلیل دیدگاه‌های غزالی در خصوص تعلیم و تربیت پرداخته و اصول و روش‌های تعلیم و تربیت را از دیدگاه غزالی را مورد بررسی قرار داده است.
۵	«مفهوم تربیت از دیدگاه شاعران و ادیبان زبان فارسی»	طیبه توسلی (۱۳۸۶)	نویسنده در این مقاله، ضمن تشریح مفاهیم و تعاریف گوناگون از تربیت، فرایند تغییر معنایی تربیت و کاربرد مفهوم آن را در آثار ادب فارسی از شاهنامه تا دوران کنونی بررسی کرده است.
۶	«دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی»	علیرضا اعرافی، سید تقی موسوی (۱۳۹۰)	نویسنده این مقاله، شکل‌های مختلف فرایند تربیت را شناسایی کرده است. ضمناً دلایل اثربخشی و فایده استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای و گرایش‌های نوین در حوزه پژوهش‌های تربیتی را تبیین و تشریح کرده است.
۷	روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی	محمدصادق بصیری، گلناز امجدی (۱۳۹۱)	نویسنده در این مقاله ضمن تعریف تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن، به تمامی روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادبی، مانند موعظه، راهنمایی، پند و اندرز، ترغیب و تشویق، منطق و استدلال و... اشاره می‌کند. ایشان ۴۷ نوع شاهد ادبی از میان شاعران مهم انتخاب کرده و برای هر یک مثال‌هایی را ذکر کرده است.

## ۵. روش‌شناسی پژوهش

برخی از اندیشمندان معتقدند که متن‌های ادبی کاربردی نیست. گروهی، ادبیات را متعلق به حوزه ذوق و احساس می‌دانند، اما دلیل اصلی کاهش کیفیت تحقیقات ادبی، ناآشنایی پژوهشگران با شیوه‌های جدید تحقیق است. تمامی این عوامل موجب شده که وظیفه ادبیات و آثار ادبی در حد تفریح و سرگرمی کاهش یافته یا باقی بماند.

با توجه به ماهیت و پیچیدگی علوم تربیتی، روش‌های کمی پرسشنامه‌ای نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای تمامی مؤسسات و مراکز آموزشی باشد. از این رو لازم است تا به روش‌های کیفی و مبتنی بر مطالعات میان‌رشته‌ای توجه بیشتری شود. در این مقاله، از روش نظریه داده‌بنیاد<sup>۱</sup> یا تئوری داده‌محور بهره گرفته‌ایم. «راهبرد پژوهشی نظریه داده‌بنیاد روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده، به تبیین فرایند کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد» (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳: ۱۷). نظریه داده‌بنیاد یکی از راهبردهای اجرای پژوهش‌های کیفی است که در سال ۱۹۷۶ توسط گلاسر و استراوس<sup>۲</sup> مطرح شده است. در این روش، نظریه‌ها به‌طور مستقیم از دل داده‌ها استخراج می‌شود. ویژگی اصلی و مهم نظریه داده‌بنیاد، تأکید بر بررسی دقیق داده‌های جمع‌آوری شده بدون هیچ‌گونه تعصب و جانبداری است. «در این روش، برای گردآوری داده‌های اطلاعاتی در مورد یک پدیده، از شیوه‌های کیفی استفاده می‌شود و به‌جای تعریف مسئله بر مبنای ادبیات تحقیق و در قالب متغیرهای مستقل و وابسته، تنها سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌گردد» (همان: ۸۶).

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا می‌توان از نتایج آن الگوبرداری کرد و به‌عنوان شاخص‌های علوم تربیتی در دوران کنونی بهره جست. از آنجا که هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در گلستان سعدی بود، راهبرد نظریه داده‌بنیاد انتخاب شد تا با این مطلوب سازگاری داشته باشد. در انجام یک پژوهش به

روش داده‌بنیاد، می‌توان از طرح‌های نظام‌مند، ساختارگرا و ظهوریابنده<sup>۳</sup> استفاده کرد. در این پژوهش، از طرح «ظهوریابنده گلیر» استفاده شد؛ زیرا مبنای کار این بود که از دل داده‌های کیفی، مفاهیم و مؤلفه‌هایی استخراج شود. این‌گونه پژوهش‌ها از نوع اکتشافی است و به فرضیه نیازی ندارد، بلکه باید نظریه‌ای در پایان ساخته شود؛ و چون پایه اصلی نظریه‌سازی داشتن مفاهیم است، باید سازوکاری فراهم شود تا بتوان مفاهیم را شناسایی کرد. این کار در مرحله اول تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است.

در مرحله نخست، داده‌های کیفی مرتبط استخراج شد. راهنمای ما در گردآوری داده‌ها، گلستان سعدی است. این اندیشه‌ها، حاصل دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات گرانبها و رویدادهای گوناگون در زندگی شاعر است. سعدی در کلامی جذاب و دلنشین، حقایقی مربوط به تمامی طبقات جامعه را به تصویر می‌کشد و آن را در قالب پند و حکمت به مخاطب منتقل می‌کند. با توجه به وسعت دامنه موضوع، برحسب شمول و کامل بودن مفهوم مورد نظر، یک یا چند نمونه از متن انتخاب شد. در برخی از حکایت‌ها، برای جلوگیری از تکرار یک مفهوم، همچنین پرهیز از طولانی شدن ابیات، نتیجه اخلاقی ارائه شده در قالب یک مفهوم استخراج شد. در مرحله دوم، ابیات مرتبط کُدگذاری شد. با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به یک جنبه مشترک داشت، عنوان یک مفهوم به خود گرفت؛ آنگاه بر پایه مؤلفه‌ها، قضیه‌ها یا گزاره‌هایی استخراج شد.

برای پی بردن به پایایی و اعتبار روش کار و نتایج حاصل از پژوهش، مفاهیم استخراج شده از بخش گلستان سعدی، در قالب پرسش‌نامه، بین شش نفر از مدرسان (سه نفر در حوزه ادبیات و سه نفر در حوزه علوم تربیتی) توزیع شد. از آن‌ها خواستیم تا ارتباط میان مفاهیم یادشده را با چالش‌های تعلیم و تربیت ارزیابی کنند. نتایج بیانگر آن بود که میان دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص موضوع با نتایج به دست آمده ارتباط وجود دارد. از این رو می‌توان به یافته‌های حاصل از این بررسی اطمینان کرد.

## ۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف. کدگذاری باز: در مرحله نخست، کدها (رمزها)ی مناسبی برای داده‌ها مختلف اختصاص دادیم و این رمزها را در قالب مقوله‌هایی دسته‌بندی کردیم:

مفاهیم	گلستان سعدی
توجه به نقش محیط در تعلیم و تربیت (تأثیرگذاری عوامل محیطی)	گلی خوشبوی در حمام روزی/ رسید از دستِ محبوبی به دستم... کمالِ همشین در من اثر کرد/ وگرنه من همان خاکم که هستم (سعدی، ۱۳۷۸: ۵۱) <sup>۴</sup>
توجه به ناپایداری دنیا- کنترل هواهای نفسانی و پرهیز از هوسرانی	هرکه آمد عمارتی نو ساخت/ رفت و منزل به دیگری پرداخت وان دگر پخت همچین هوسی/ وین عمارت به سر نبرد کسی یار ناپایدار دوست مدار/ دوستی را نشاید این غدار (۵۲)
با همدیگر سخن گفتن به زبان نرم و خوش و داشتن تعامل مثبت در کارها	کنونت که امکان گفتار هست/ بگو ای برادر به لطف و خوشی که فردا چو پیکِ آجل در رسید/ به حکمِ ضرورت زبان درکشی (۵۳)
به موقع سخن گفتن: وقت شناس بودن حتی برای سخن گفتن	اگرچه پیش خردمند خامشی ادب است/ به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی دو چیز طیره عقل است <sup>۵</sup> ، دم فرو بستن/ به وقتِ گفتن و گفتن به وقت خاموشی (۵۳)
سعدی معتقد است که نیکنامی و یاد و خاطره خوش به جا گذاشتن مایه جاودانگی است.	دولت جاوید یافت هرکه نکونام زیست/ کز عقبش ذکر خیر، زنده کند نام را (۵۵)
سعدی معتقد است انسان باید متواضع باشد؛ زیرا لاف‌زنی و بیان ادعاهای بی‌ارزش، زمینه شکست او را فراهم می‌کند.	هرکه گردن به دعوی افروزد/ خویشان را به گردن اندازد سعدی افتاده‌ای ست آزاده/ کس نیابد به جنگِ افتاده (۵۶)
سعدی معتقد است که بزرگان و	به اعتمادِ سعتِ اخلاقِ بزرگان که چشم از عوایب <sup>۶</sup> زیردستان

<p>مربیان باید در شرایط لازم از عیب‌های زیردستان چشم‌پوشی کرده و خطایشان را افشا نکنند.</p>	<p>بپوشند و در افشای جرایم کهن‌تران نکوشند... (۵۶).</p>
<p>سعدی معتقد است که در هیچ شرایطی نباید با توجه به ظاهر افراد، بی‌احترامی یا تحقیر کرد؛ چراکه این برخورد تأثیر نامطلوبی در تربیت می‌گذارد.</p>	<p>ای که شخص مَنّت حقیر نمود/ تا بزرگی هنر نینداری اسبِ لاغر میان به کار آید/ روز میدان، نه گاو پرواری (۶۰)</p>
<p>تنبیه و مجازات به موقع. داشتن ابتکار عمل برای رهایی از فتنه و دشمنی</p>	<p>... پدر را از این حال آگهی دادند. برادرانش را بخواند و گوشمالی به‌واجب بداد. پس هریکی را از اطرافِ بلاد حصّه معین کرد تا فتنه بنشست و نزاع برخاست که گفته‌اند: ده درویش در گلیمی بخشیدند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند (۶۰).</p>
<p>توجه به تأثیر استعداد‌های ذاتی افراد و همچنین تأثیر محیط بر تربیت افراد (این دو مفهوم نشان می‌دهد که سعدی استعداد ذاتی و تأثیر محیط را در مقابل هم قرار نمی‌دهد، بلکه معتقد است که این دو باید با یکدیگر همسو و هماهنگ شوند).</p>	<p>پرتو نیکان نگیرد هرکه بنیادش بد است/ تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود... (۶۲) با بدان یار گشت همسر لوط/ خاندانِ نبوتش گم شد سگ اصحاب کهف روزی چند/ پی نیکان گرفت و مردم شد (۶۲)</p>
<p>توجه به تغییرناپذیری ذات آدمی. توجه به بی‌تأثیری تربیت در افراد نااهل</p>	<p>شمشیر نیک از آهن بد چون کُند کسی؟/ ناکس به تربیت نشود، ای حکیم کس باران که در لطافتِ طبعش خلاف نیست/ در باغ لاله روید و در شوره‌بوم خَس (۶۲)</p>
<p>سعدی معتقد است که مربیان باید با دقت نظر و تیزبینی، ظالمان و بدکاران را بشناسند و با قاطعیت آن‌ها را مجازات کنند.</p>	<p>نکویی با بدان کردن چنان است/ که بد کردن به‌جای نیکمردان (۶۲)</p>

<p>سعدی به مخاطبانش یادآوری می‌کند که ظلم و مردم‌آزاری، از جانب هرکسی که باشد، باعث پراکندگی و تفرقه دیگران می‌شود.</p>	<p>یکی از ملوک را حکایت کنند که دستِ تطاول به مالِ رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکایدِ ظلمش به جهان برفتند و از کُربتِ جورش<sup>۷</sup> راه غربت گرفتند (۶۳).</p>
<p>همان‌طور که فرمانده بر قلب سربازان فرمانروایی می‌کند، مربی هم می‌تواند با دلجویی و کسب رضایت درونی، بر روح و جان شاگردانش مسلط شود.</p>	<p>همان‌به که لشکر به جان پروری / که سلطان به لشکر کند سروری (۶۴)</p>
<p>سعدی معتقد است بدعت‌افکنی و ایجاد روش نادرست، از آفت‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیر در مسیر تعلیم و تربیت است.</p>	<p>هر آن‌که تخمِ بدی کاشت و چشم نیکی داشت / دماغِ بیهوده پخت و خیالِ باطل بست (۶۶)</p>
<p>یکی از صفات نیک و پسندیده انسان‌ها نوع‌دوستی است.</p>	<p>بنی‌آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار (۶۶)</p>
<p>صبر و تحمل‌پذیری در مسیر تعلیم و تربیت افراد</p>	<p>تو را تحمل امثال ما بیاید کرد / که هیچ کس نزند بر درختِ بی بر سنگ (۷۳)</p>
<p>حفظ کرامت و ارزش انسانی. الگوی رفتاری بودن مربیان برای سایر افراد</p>	<p>اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی / برآوردند غلامان او درخت از بیخ به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد / زند لشکریانش هزار مرغ به سیخ (۷۴)</p>
<p>سعدی معتقد است افراد دانا نباید با افراد لجوج و ستیزه‌جو بحث و جدل کنند؛ چون بی‌فایده است.</p>	<p>ناسزایی را چو بینی بخت یار / عاقلان تسلیم کردند اختیار چون نداری ناخن درنده تیز / با ددان آن‌به که کم‌گیری ستیز هر که با پولادبازو پنجه کرد / ساعد مسکین خود را رنجه کرد (۷۵)</p>
<p>سعدی معتقد است دلیرمرد واقعی کسی است که در نهایت خشم و عصبانیت بتواند خودش را کنترل کند و سخنان ناپسند به دیگران نگوید.</p>	<p>نه مرد است آن به نزدیک خردمند / که با پیلِ دمان پیکار جوید بلی مرد آن کس است از روی تحقیق / که چون خشم آیدش باطل نگوید (۸۲)</p>

<p>سعدی معتقد است که در برخوردها با دیگران نباید از روی ظاهر شخصی درباره او قضاوت کرد. همچنین معتقد است که انسان‌ها باید در عمل کردن به گفته‌ها و وعده‌هایشان کوشا باشند.</p>	<p>چه داند مردم که در جامه چیست/ نویسنده داند که در نامه چیست... در عمل کوش و هرچه خواهی پوش/ تاج بر سر نه و علم بر دوش (۸۸)</p>
<p>سعدی معتقد است که در بیان موعظه باید مخاطبان خویش را به خوبی شناخت. همچنین کسانی که راستی و درستی در ذاتشان نیست، تربیت در آنان سودمند نخواهد بود.</p>	<p>با سیه دل چه سود گفتن و عطف؟/ نرود میخ آهنین در سنگ (۹۳)</p>
<p>سعدی معتقد است که هر شخصی می‌تواند به نوعی آموزگار شما باشد. حتی از رفتار و گفتار «بی ادبان» هم می‌توان درس گرفت.</p>	<p>لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان؛ هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن احتراز کردم (۹۵).</p>
<p>در تمامی امور باید اعتدال داشت، حتی در ملاقات کردن و معاشرت با دیگران. سعدی معتقد است که یکی از اصول تربیتی این است که انسان ابتدا به عیوب خویش پردازد و سپس در صدد تعلیم و تربیت باشد تا مورد سرزنش دیگران قرار نگیرد.</p>	<p>به دیدار مردم شدن عیب نیست/ ولیکن نه چندان که گویند بس اگر خویشان را ملامت کنی/ ملامت نباید شنیدت ز کس (۹۹)</p>
<p>یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در اندیشه سعدی این است که مریبان باید بدانچه می‌گویند ایمان داشته باشند؛ همچنین گفتار و رفتارشان با یکدیگر هماهنگ و موافق باشد.</p>	<p>ترک دنیا به مردم آموزند/ خویشان سیم و غله اندوزند عالمی را که گفت باشد و بس/ هرچه گوید نگیرد اندر کس عالم آن کس بود که بد نکند/ نه بگوید به خلق و خود نکند (۱۰۳)</p>

<p>سعدي معتقد است كه مربيان واقعي كساني هستند كه در جهت راهنمايي و هدايت گمراهان با تعهد و وظيفه‌شناسي گام برمي‌دارند.</p>	<p>صاحب‌دلي به مدرسه آمد ز خانقاه/ بشكست عهد صحبتِ اهلي طريق را گفتم: ميان عالم و عابد چه فرق بود/ تا اختيار كردي از آن اين فريق را؟ گفت: آن گلیم خويش به در می‌برد ز موج/ وين جهد می‌کند كه بگيرد غريق را (۱۰۴)</p>
<p>سعدي معتقد است كه افراد بايد در خصوص نصيحت و انتقاد ديگران، حسن‌نيت و نگرش مثبت داشته باشند و آن را گامي در جهت رشد و اصلاح خويش بدانند.</p>	<p>قاضي را نصيحتِ ياران يكدل پسند آمد و بر حُسنِ راي قوم آفرين خواند و گفت: نظرِ عزيزان در مصلحتِ حال من عين صواب است (۱۴۵).</p>
<p>سعدي معتقد است كه مربيان و بزرگان بايد مراقب رفتار و گفتار خود باشند؛ زيرا آنان بايد الگوي مناسب رفتاري براي ديگران باشند.</p>	<p>اگر صد ناپسند آيد ز درويش / رفيقانش يكي از صد ندانند و گر يك بذله گويد پادشاهي / از اقليمي به اقليمي رسانند (۱۵۵)</p>
<p>سعدي معتقد است كه تربيت بايد از دوران كودكي آغاز شود؛ زيرا تأثيرگذارتر است.</p>	<p>هر كه در خرديش ادب نكنند/ در بزرگي فلاح از او برخاست چوب تر را چنان كه خواهي پيچ / نشود خشك جز به آتش راست (۱۵۵)</p>
<p>سعدي معتقد است كه مربيان بايد با سخت‌گيري بموقع و قاطعيت منطقي در تعليم و تربيت كوشا باشند.</p>	<p>پادشاهي پسر به مكتب داد/ لوح سيمينش بر كنار نهاد بر سر لوح او نبشته به زر/ جور استاد به كه مهر پدر (۱۵۶)</p>
<p>سعدي معتقد است كه مربيان بايد به قدر توانمندی براي تربيت و پيشرفت متريبان تلاش كنند؛ هرچند به نصيحتشان توجه نشود.</p>	<p>گرچه داني كه نشنوند بگوي/ هرچه داني ز نيك خواهي و پند زود باشد كه خيره‌سر بيني / به دو پای اوفتاده اندر بند دست بر دست می‌زند كه دريغ / نشنيدم حديث دانشمند (۱۵۷)</p>



<p>سعدی در خصوص شیوه‌های تربیتی معتقد است که مریمان باید به خلق و خوی و طبیعت اشخاص توجه داشته باشند.</p>	<p>گفت: بر رای خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است، ولیکن طبایع مختلف (۱۵۷).</p>
<p>سپردن کارها به افراد کاردان و متخصص</p>	<p>ندهد هوشمند روشن‌رای/ به فرومایه کارهای خطیر بوریاباف اگرچه بافنده است/ نبرندش به کارگاه حریر (۱۶۰)</p>
<p>تواضع و فروتنی، سنجیده سخن گفتن</p>	<p>نه هرکه موی شکافد به تیر جوشن جای/ به روز حمله جنگاوران بدارد پای (۱۶۱)</p>
<p>رعایت اعتدال و میانه‌روی در تمام امور. به عبارت دیگر سختگیری و آسان‌گیری باید در زمان و شرایط مناسب صورت گیرد.</p>	<p>درشتی و نرمی به هم در، به است/ چو رگ‌زن که جراح و مرهم‌نه است نه مر خویشتن را فزونی نهد/ نه یکباره تن در مذلت دهد (۱۷۳)</p>
<p>پرهیز از سطحی‌نگری، ارزیابی دقیق و مستمر (توجه به پیچیدگی‌های شخصیتی و درونی افراد)</p>	<p>نه هرکه بصیرت نکوست سیرت زیبا در اوست، کار اندرون دارد نه پوست. توان شناخت به یک روز در شمایل مرد/ که تا کجاش رسیده است پایگاه علوم ولی ز باطنش ایمن مباش و غره مشو/ که خبث نفس نگرده به سال‌ها معلوم (۱۷۷)</p>
<p>سعدی معتقد است که باید ویژگی‌های پرشگری را در وجود دانش‌آموزان نهادینه کرد. بدین روش توجه دانش‌آموز به کسب دانش جلب شده و به نوعی به فراگیری دانش ترغیب می‌شود.</p>	<p>امام مرشد محمد غزالی را پرسیدند که چگونه رسیدی بدین منزلت در علوم؟ گفت: بدان که هرچه ندانستم از پرسیدن آن ننگ نداشتم (۱۸۴).</p>
<p>سعدی معتقد است که پندپذیری و بهره‌گیری از تجربیات دیگران در راستای اصول تعلیم و تربیت از اهمیت فراوانی برخوردار است.</p>	<p>نرود مرغ سوی دانه فراز/ چون دگر مرغ بیند اندر بند پند گیر از مصائب دگران/ تا نگیرند دیگران به تو پند (۱۸۷)</p>

ب. **کدگذاری محوری:** در مرحله دوم با مقایسه مفاهیم و یافتن پیوند مشترک میان آن‌ها، کدگذاری محوری انجام می‌شود. گفتنی است که برخی از مفاهیم می‌تواند وجه مشترکی با مؤلفه‌های تعریف‌شده دیگر نیز داشته باشد.

ردیف	مفاهیم	مؤلفه‌ها
۱	خوش اخلاقی، خویش‌داری و تهذیب نفس، کنترل خشم و عصبانیت، تواضع و فروتنی، عیب‌پوشی، نوع‌دوستی	صفات نیک اخلاقی
۲	توجه به خوی و طبیعت اشخاص در شیوه تربیت، توجه به تأثیر سرشت انسان‌ها در تربیت، توجه به تغییرناپذیری ذات آدمی، توجه به بی‌تأثیری تربیت در افراد نااهل، توجه به نقش محیط در تعلیم و تربیت، ریشه‌یابی مشکلات، درس‌آموزی از تمامی رفتارهای ناپسند	جامع‌نگری
۳	ارزیابی دقیق و مستمر، دقت و هوشیاری در انجام کارها، تلاش در جهت ترک عادت‌های زشت، تلاش در جهت راهنمایی و هدایت گمراهان	تعهد و تلاش
۴	توجه به ناپایداری دنیا، غنیمت شمردن فرصت، سکوت بموقع، توجه به تأثیر تربیت در دوران کودکی، استفاده درست و هوشمندانه از فرصت‌ها، تنبیه و سختگیری بموقع	مدیریت زمان
۵	پرهیز از لاف‌زنی و ادعاهای بی‌ارزش، شناخت مخاطب در بیان موعظه، نرم و سنجیده سخن گفتن، بی‌جهت اظهارنظر نکردن در خصوص موضوعات مختلف، با همدیگر حرف زدن، برقراری تعامل مثبت، پرهیز از جدل با افراد نادان و ستیزه‌جو	تعامل و ارتباطات
۶	مقابله به مثل نکردن، رعایت حرمت سخنگوی و قطع نکردن کلام دیگران، به‌دنبال عیب‌جویی و آشکار کردن بدی‌ها نبودن، حفظ کرامت و ارزش انسانی، چشم‌پوشی از عیب‌های زیردستان، تحقیر نکردن افراد	حفظ کرامت انسانی
۷	به‌اقتضای حال و مقام سخن گفتن، آسان‌گیری و مهربانی در هنگام ستیز، پرهیز از بدعت‌افکنی و ایجاد روش نادرست، پرهیز از دعوا و ستیز با مردم‌آزار، بسته نگه داشتن زبان بدخواهان	مدیریت اقتضایی

انسان‌شناسی	توجه به پیچیدگی‌های شخصیتی و درونی افراد، شناسایی و پرداختن به عیوب خویش، بی‌توجهی به ظاهر اشخاص، بدانچه می‌گوید ایمان داشته باشد.	۸
خردگرایی	انسان عاقل با نادان ستیز نمی‌کند. پرهیز از سطحی‌نگری، تعلیم درست از طریق منطق و استدلال، پرهیز از مجادلهٔ بیهوده با نادان، اهمیت دادن و احترام گذاشتن به اندیشمندان، ترغیب دانش‌آموزان به پرسشگری	۹
عمل‌گرایی	عمل کردن به دانسته‌ها، تناسب گفتار با رفتار، الگوی مناسب رفتاری بودن، عمل کردن به گفته‌ها و وعده‌ها	۱۰
تدابیر انگیزشی	سخاوتمندی و گشاده‌دستی، جلب رضایت و اعتماد مردم، دلجویی و کسب رضایت درونی، به‌دست‌آوردن دل دوستان، داشتن حسن‌نیت و نگرش مثبت	۱۱
تداوم و ممارست	پشتکار و سخت‌کوشی، صبر و تحمل‌پذیری، پند و عبرت از کردار و رفتار دیگران، انجام دادن کارها به شیوهٔ درست و پذیرفتنی	۱۲
رعایت اعتدال	پرهیز از سختگیری بیش از حد، رعایت اعتدال در سختگیری و آسان‌گیری، رعایت اعتدال حتی در معاشرت با دیگران و همچنین در سخن گفتن	۱۳
مشارکت و همبستگی	سپردن کارها به افراد کاردان و متخصص، بهره‌گیری از تجربیات دیگران در امور تربیتی، مشورت کردن در کارها	۱۴

#### ۷. یافته‌های پژوهش

نظریهٔ «تعلیم و تربیت مطلوب» با شناسایی مفاهیم و پیوند مقوله‌ها شکل گرفت. به‌طور خلاصه، تعلیم و تربیت مطلوب از نگاه سعدی، مجموعه‌ای است از شاخص‌های صفات نیک اخلاقی، جامع‌نگری، تعهد و تلاش، مدیریت زمان، تعامل و ارتباطات، حفظ کرامت انسانی، مدیریت اقتضایی، انسان‌شناسی، خردگرایی، عمل‌گرایی، تدابیر انگیزشی، تداوم و ممارست، رعایت اعتدال، مشارکت و همبستگی که یک مربی یا معلم با تلفیق آن‌ها می‌تواند در جهت رشد و تعالی زیرمجموعهٔ خویش و همچنین افزایش کارایی و بهره‌وری سازمانی گام بردارد.

در بخش پایانی، بر پایهٔ مفاهیم و مؤلفه‌های گردآوری‌شده، گزاره‌های زیر به دست

- آمده است. این گزاره‌ها از تلفیق چند مفهوم یا بیان روابط چند متغیر ساخته شده است:
۱. از دیدگاه سعدی، استعداد‌های افراد بدون فراهم کردن شرایط و محیط مناسب شکوفا نمی‌شود.
  ۲. از دیدگاه سعدی، تجربه و تخصص در امر تعلیم و تربیت لازمه موفقیت است. بنابراین در اجرای فعالیت‌های تربیتی و آموزشی باید افراد مجرب و متخصص در مصدر امور باشند.
  ۳. اساس سلامتی جسمی و روحی، اعتدال و میانه‌روی در کارهاست. از این رو افراط و زیاده‌روی باعث بروز خسارت، پریشانی و در نهایت شکست و نابودی می‌شود.
  ۴. استفاده از علایق و تمایلات ذهنی مخاطبان، نقش مهمی در اثرگذاری بیشتر کلام و فهم مطالب دارد. در واقع یک مربی خوب باید بداند که با هر شخصی به زبان خودش سخن بگوید.
  ۵. سعدی معتقد است که هر دوره از دوران زندگی انسان (رده‌های مختلف سنی) در تأثیرگذاری از تعلیم و تربیت نقش دارند، اما دوران کودکی بیشترین تأثیر را دارد.
  ۶. سعدی معتقد است که گاهی تذکر و موعظه باید مستقیم و قاطع و گاهی به شکل غیرمستقیم و ملایم بیان شود.
  ۷. سعدی معتقد است که باید ویژگی پرسشگری را در وجود دانش آموزان نهادینه کرد. بدین روش توجه دانش آموز به کسب دانش جلب شده و به نوعی به فراگیری دانش ترغیب می‌شود.
  ۸. سعدی معتقد است که مریبان در هر جایگاهی که هستند باید با نوع دوستی، صداقت، تواضع و فروتنی، عیب‌پوشی و کنترل خشم، ضمن کسب نیکنامی، منزلت و مقبولیت خویش را در نزد دیگران ارتقا دهند.
  ۹. سعدی معتقد است که هر شخصی می‌تواند به نوعی آموزگار شما باشد. حتی از

رفتارهای زشت و گفتارهای ناپسند هم می‌توان درس گرفت. «ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان»

۱۰. سعدی معتقد است که در بعضی از شرایط باید با آوردن استدلال یا ذکر مثالی ساده و عینی، مخاطب را راهنمایی و موعظه کرد.

۱۱. میان گفتار و رفتار مریبان باید سازگاری و تناسب وجود داشته باشد؛ زیرا تضاد و ناهماهنگی میان گفتار و رفتار، آثار نامطلوبی در عملکرد مخاطبان ایجاد می‌کند.

۱۲. به عقیده سعدی، گویندگان و مریبان پیش از ایراد راهنمایی و نصیحت باید به سخنشان بیندیشند و سپس آن را به زبان آورند؛ چون کلام مانند تیری است که دیگر باز نمی‌گردد.

۱۳. بعضی اوقات نادیده گرفتن عیب یا نشنیدن سخنی ناصواب بسیار مؤثرتر از برخورد یا واکنش خشونت‌آمیز و عجولانه است.

۱۴. حفظ کرامت انسانی از جمله مؤلفه‌های تعلیم و تربیت در گلستان سعدی است. مریبان و معلمان به هیچ وجه نباید اشخاص را مورد تحقیر قرار داده یا به آن‌ها توهین کنند.

۱۵. مدیریت زمان از جمله مؤلفه‌های تعلیم و تربیت در گلستان سعدی است. گاهی لازم است که تذکر یا تنبیه در همان لحظه صورت گیرد، شاید اگر به زمان دیگری موکول شود، تأثیر چندانی نداشته باشد.

۱۶. یکی دیگر از نکته‌های اساسی در شیوه تربیت مطلوب، انعطاف‌پذیری و داشتن صبر و تحمل در برخورد با رفتارهای ناشایست و نابهنجار است.

۱۷. یکی از اصول مهم در شیوه تربیت مطلوب، «اصل عمل‌گرایی» است؛ چراکه مریبان و معلمان باید الگوی رفتاری بوده و بدانچه می‌گویند ایمان داشته باشند.

۱۸. سعدی معتقد است سکوت کردن در جایی که گفتگو کردن لازم و ضروری است،

نه تنها مشکلی را برطرف نخواهد کرد، بلکه شاید مشکلات و اختلافات بیشتری به وجود آورد.

۱۹. سعدی معتقد است که یکی از اصول تربیتی این است که انسان ابتدا به عیوب خویش پردازد و سپس درصدد تعلیم و تربیت باشد تا مورد سرزنش دیگران قرار نگیرد.

۲۰. انسان دانا با افراد ستیزه‌جو و لجوج بحث و جدل نمی‌کند؛ چراکه این‌گونه افراد روح و روان انسان را آزرده می‌سازند، لذا باید با زبانی نرم و سنجیده از آسایشان در امان ماند.

#### ۸. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این مقاله با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد، داده‌های مربوط به جامعه آماری بررسی و با روش کدگذاری، مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط استخراج و طبقه‌بندی شد. در پایان، تعداد ۶۸ مفهوم در قالب ۱۴ مؤلفه گردآوری شد. برای پی بردن به پایایی و اعتبار شیوه تحقیق، مفاهیم شناسایی شده به شکل پرسش‌نامه توزیع گردید. نتایج بیانگر آن بود که دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص موضوع، با نتایج به دست آمده مرتبط است. ضمناً بر مبنای مفاهیم و مؤلفه‌های مستخرج، در می‌یابیم که ادبیات و علوم تربیتی ارتباط مستقیم و همسویی با هم دارند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Grounded Theory
2. Glaser & Strauss
3. The Emerging design

۴. به منظور رعایت اختصار در ارجاع‌دهی، برای سایر ستون‌ها فقط شماره صفحه منبع آمده است.

۵. سبکی عقل است.

۶. عیب‌ها

۷. اندوه حاصل از ظلم و ستمش

### منابع

۱. آزادی، محمدکریم (۱۳۷۳)، *تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی*، تهران: راهگشا.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۳)، *چهار سخنگوی وجدان ایران*، چ ۳، تهران: قطره.
۳. اعرافی، علیرضا، و سید تقی موسوی (۱۳۹۰)، «دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی»، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، شماره ۲، ۷۶-۵۷.
۴. بختیار نصرآبادی، حسن‌علی، رضاعلی نوروزی، و محمد رحمان‌پور (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی»، *فصلنامه تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۴، ۲۱۸-۱۹۳.
۵. بصیری، محمدصادق، و گلناز امجدی (۱۳۹۱)، «روش‌های تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، شماره ۱۵، ۹۶-۶۷.
۶. پاشایی، کامران، و پروانه عادل‌زاده (۱۳۹۱)، *بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی*، چ ۱، تبریز: مولی‌علی.
۷. توسلی، طیبه (۱۳۸۶)، «مفهوم تربیت از دیدگاه شاعران، ادیبان و اندیشمندان زبان فارسی»، *مجله اندیشه‌های نوین مدیریتی*، دوره ۳، شماره ۳، ۱۵۵-۱۳۷.
۸. دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*، چ ۱، تهران: صفار شرقی.
۹. دشتی، علی (۱۳۸۱)، *در قلمرو سعدی*، تهران: امیرکبیر.
۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، *حدیث خوش سعدی*، تهران: سخن.

۱۱. سروری، محمدحسین (۱۳۴۷)، «نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۴، ۴۹۶-۵۰۴.
۱۲. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۸)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۸، تهران: خوارزمی.
۱۳. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۱)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. شولتز، داوون (۱۳۷۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۶، تهران: هما.
۱۵. غزالی، ابوحامد (۱۳۶۸)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوجم، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۶. کاردان، علی محمد (۱۳۷۸)، «علوم تربیتی و مطالعات میان‌رشته‌ای (رابطه علوم تربیتی با فلسفه)»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۵، ۳۶-۳۰.
۱۷. نصیری نکو، آرش (۱۳۷۸)، «ادبیات در راستای تربیت سعدی و تعلیم و تربیت»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۵۲، ۴۰-۳۴.

Archive of SID